



کتابخانه

کتابخانه و مرکز اسناد
کتابخانه و مرکز اسناد

کتابخانه و مرکز اسناد

www.ketab.ir

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: رضایی، فاطمه، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: جزیره تنهایی و چند داستان دیگر: بر اساس خاطرات افراد نابینا و کم بینا/ فاطمه رضایی.

مشخصات نشر: قم: توانمندان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص؛ ۵/۱۴×۲۱ س.م.

شابک: 7-77-6216-622-978-۳۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

Persian fiction -- 20th century

نابینایان -- ایران -- داستان

Blind -- Iran -- Fiction

رده بندی کنگره: RIR۳۴۵

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۶۳۵۵۷

انتشارات توانمندان

ناشر تخصصی معلولیت و معلولان

📧 tavanmandan_com



دفتر فرهنگ معلولین
دارالتفاهة للمعوقين
Handicap Cultural Center



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

جزیره تنهایی

و چند داستان دیگر بر اساس خاطرات افراد نابینا و کم بینا

نویسنده: فاطمه رضائی

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۰

عکس روی جلد: امیرعلی ق

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۷۷-۷ ISBN: 978-622-6216-77-7

ناشر: توانمندان شمارگان: ۵۰۰ نسخه قیمت: ۳۵۰/۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.Malolan.com , info@handicapcenter.com
www.DataDisability.com , www.Tavanmandan.com

ارتباط با نویسنده: ۰۹۱۲۴۳۶۱۷۵۵

فهرست

پیشگفتار..... ۹

مقدمه..... ۱۳

داستان‌ها

غول سه شاخ..... ۲۳

لیلا..... ۳۹

سوتی کوری..... ۴۹

جزیره تنهایی..... ۶۱

عصای دوپا..... ۷۳

امامزاده..... ۷۹

بوی عیدی، بوی رود..... ۸۳

وادی حیرت..... ۸۹

پیشگفتار

داستان‌ها، زندگینامه‌ها، کتاب‌های خاطرات و سفرنامه‌ها بی‌تردید از غنی‌ترین منابعی هستند که رشد و شکوفایی همدلی را در خوانندگان‌شان موجب می‌شوند. همدلی به عنوان یکی از زیباترین و انسانی‌ترین فضایل اخلاقی که نه تنها زندگی اجتماعی را دلچسب‌تر و آرام‌تر می‌کند، بلکه بی‌شک با تعصب و جزم‌اندیشی هم نسبت عکس دارد. آشنایی و درک عمیقی که ما با قهرمانان زمان‌ها و زندگینامه‌ها به دست می‌آوریم بعید است جز با آشنایی و مصاحبت درازمدت با دیگران حاصل شود. به دیگر سخن مطالعه این‌گونه آثار تجربه زیسته خواننده را به آفاقی گسترش می‌دهد که خود هرگز مجال تجربه مستقیم آن را نخواهد داشت.

زندگی موجودات انسانی آن‌چنان کوتاه و با انواع و اقسام محدودیت‌ها همراه است که مجال شناخت و تجربه مستقیم بسیار اندکی را فراهم می‌کند. خواندن داستان دیگران اما، ما را در زندگی، احساسات، باورها، آرزوها، امکانات و محدودیت‌های هم‌نوعانمان سهیم می‌کند. خواننده علاقه‌مند از منظر داستان، سرباز مجروح، زنان و کودکان بی‌خانمان در اثر بمباران، فرمانده ناامید و خانواده چشم‌به‌راه را در آن سر دنیا چون خواهران و برادران و حتی همچون خویشتن خویش همدلانه و منصفانه درک خواهد کرد. اگرچه در تمام عمر خود هیچ جنگی را تجربه نکرده‌باشد. لختی با دو چوب زیر بغل یا عصای سفید بر پست و بلند زمین گام خواهد نهاد. کوتاه

زمانی زن یا مردی برده خواهد بود. پیرزنی خواهد بود که آرام آرام دارد دچار زوال حافظه می‌شود. کودکی که می‌داند بیماریش درمان نخواهد شد. کارگری که فهمیده ماشین‌ها دارند تنها کاری را که بلد است انجام دهد از چنگش درمی‌آورند. پیرمرد نجیب و بیماری که عاشق زنی جوان و زیبا می‌شود. سارقی محبوس در زندان، بدهکاری گریخته از دست قانون، زن خانه‌داری خسته و ملول از روزمرگی و خلاصه صدها و صدها زندگی پر رمز و راز و هزارها و هزارها درد دل و حرف حساب که بی‌صبرانه و مشتاقانه چشم‌به‌راه شنیده شدن، خوانده شدن و درک شدن هستند.

این همدلی و تفاهم زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که این غریبه‌ها، این دیگران به ظاهر متفاوت، در کنار ما زندگی کنند. این غریبه‌ها گاه همسایه نزدیک، گاه خواهر و برادر و حتی گاه فرزند یا پدر و یا مادر ما هستند. آنهایی که گاه به خاطر تفاوتی کوچک در شرایط جسمی، ذهنی یا روانی‌شان اغلب اگر هم نادیده گرفته نشوند، مورد کج‌فهمی عزیزترین کسان‌شان هستند. کتاب‌هایی که کمتر کسانی می‌توانند درست و واقع‌بینانه بخوانندشان.

حالا نویسنده کتابی که در دست دارید عزمش را جزم کرده تا از پس سال‌ها تجربه و هم‌نشینی و دوستی با یک گروه از همین غریبه‌ها، کتاب زندگی، رنج‌ها، احساسات و آرزوهای آنها را در جام داستان‌هایی زیبا بریزد و اندکی هم شاعرانگی چاشنی کند و بدهد به دست خوانندگان تا نوش جان کنند و آرام آرام با نوشیدن این داستان‌ها کتاب زندگی دختران و پسرانی را بخوانند که مشتاق درک همدلانه و منصفانه‌اند تا دیگر غریبه نباشند، دیگری نباشند، عجیب و دور و خلاصه مثل آدم فضایی‌ها نباشند. آشنایانی شوند نزدیک و معمولی و خودمانی.

خواندن داستان‌هایی از این دست، خواننده را همراهی می‌کند تا آرام آرام دستگیرش شود که همسایگان و خویشان تنها در ظاهر متفاوتش، تا

چه اندازه مانند او می‌اندیشند، مانند او رنج می‌برند، آرزوها، امیدها، دردها و عواطف و سرکشی‌هایی همچون خود او دارند. خیلی وقت‌ها شاد و امیدوار و خیلی وقت‌ها دلگیر و غمگین و حتی ناامید می‌شوند. اشتباه می‌کنند، می‌آموزند، سر دو راهی و چند راهی گیر می‌کنند و مردد می‌شوند، پشیمان می‌شوند و خلاصه نزدیک‌تر و عادی‌تر از آنی هستید که تا به حال می‌پنداشته‌ایم.

به خاطر همه اینها باید چنین قلم‌هایی را قدر دانست و ارج نهاد که می‌کشند با تقویت واقع‌بینی، همدلی و انصاف، جهانی دوستانه‌تر و امیدبخش‌تر و عادلانه‌تر را نوید دهند.

امید که نویسندگان خوش‌ذوق و آگاه و خوانندگان مشتاق چنین کتاب‌هایی روزبه‌روز بیشتر شوند تا آینده‌ای مهربان‌تر را برای همهٔ غریبه‌ها پیش رو داشته باشیم.

پرستو ولدخان

مسئول بخش نابینان کتابخانه حسینیه ارشاد